

نهج البلاغه و قرآن

زهرا لوکه علیخان



به گواه تاریخ، حضرت علی(ع) دارای شخصیتی ممتاز و برجسته بود که او را از سایرین متمایز می‌کرد. علی‌رغم این موضوع، آن حضرت آن‌گونه که باید شناخته نشده و بسیاری از زوایای شخصیتی وی در لابه‌لای ورقه‌ای از تاریخ پنهان مانده است. با نگاهی به آنچه که در مورد وی گفته و یا نوشته شده است، متوجه می‌شویم که علم آن حضرت بیش از هر چیز دیگر شگفتی و اعجاب دیگران را برانگیخته است.

علمی که پس از گذشت سالیان متمادی، راهنمای بسیاری از علما و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علمی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی

شده و بازار پژوهشی آنان را رونق بخشیده است.

بدون شک حدیث شریف نبوی(ص) که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد المدینه فلیأتها من بابها» «من شهر علم هستم و علی(ع) در آن است، پس کسی که بخواهد وارد شهر علم شود باید از در آن وارد شود.» دلیلی محکم و متقن بر اتصال رشته علم آن حضرت به وحی الهی از طریق حضرت ختمی مرتبت(ص) بوده است و بدین وسیله پیامبر اکرم(ص) راه شناخت حقیقت را به مسلمانان نمایانده و برای دستیابی مسلمانان به گنجینه‌های حقایق الهی حضرت علی(ع) را معرفی کرده است. اینکه اگر می‌خواهید حق و حقیقت را به درستی بشناسید به حضرت علی(ع) تمسک جوئید و از دانش او بهره بگیرید. اگر هر کدام از ما فقط یک مورد از قضاوت‌های آن حضرت را شنیده و یا خوانده باشیم، به خوبی به معنای این کلام پی خواهیم برد. مروری بر نهج‌البلاغه که بیانگر فصاحت و بلاغت کلام آن حضرت در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و مواعظ می‌باشد و همچون نگینی بر انگشتر دانش بشری می‌درخشد گواه دیگری از دانش والای آن حضرت است که جویندگان معرفت را به سوی خود می‌کشاند و به قدر تشنگی آنان سیرابشان می‌کند. ژرف اندیشی، والا نظری، بینش عمیق و درک وسیع آن حضرت از مسائل، گوشه‌ای از وسعت نظر وی را در مورد جهان و آفرینش آن، نشان می‌دهد. علاوه بر این آینده‌نگری و ارشادات و راهنمایی‌های حضرت علی(ع) که در نامه‌ها و سخنان کوتاه آمده است، درهای دیگری از معرفت را به روی دوستداران حق و حقیقت باز می‌کند. در ارزش نهج‌البلاغه او همین قدر کافی است که نهج‌البلاغه را «اخ القرآن» نامیده‌اند، نهج‌البلاغه برادر قرآن است. زیرا که سخنان آن جدا از کلام خدا نیست و یکی از راه‌هایی است که به صراط مستقیم الهی می‌رسد و خوانندگان خود را به رستگاری می‌کشاند. پس ضمن اینکه مطالعه این کتاب ارزشمند پیشنهاد می‌شود، گوشه‌ای از گفته‌های آن، که درباره قرآن کریم است در زیر ارائه می‌گردد تا شاید وسیله‌ای برای پیوستن ما به دریای علم و حکمت حضرت علی(ع) شود و آغازی برای حرکت در مسیر کمال و هدایت گردد. بر همین اساس مطلبی از خطبه هفتم نهج‌البلاغه در رابطه با کتاب خدا یعنی قرآن انتخاب شده است.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «کتاب ربکم فیکم: مبیناً حلاله و حرامه و فرائضه و فضائله...»

«کتاب پروردگار میان شماست؛ که بیان‌کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثل‌ها، مطلق و مقید، محکم و متشابه می‌باشد، عبارات مجمل خود را تفسیر و نکات پیچیده خود را روشن می‌کند؛ از واجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست. قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنت پیامبر(ص) آمده و بعضی از آن در سنت پیامبر(ص) واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است؛ محرّمات الهی از هم جدا می‌باشند؛ برخی از آنها گناهان بزرگ است که وعده آتش دارد بعضی کوچک که وعده بخشش داده است و برخی از اعمال که اندک‌ش مقبول و در انجام بیشتر آن آزادند.»

در این خطبه که قسمتی از اولین خطبه‌ای است که آن حضرت در مورد کتاب خدا یعنی قرآن ایراد فرموده‌اند، ابتدا سیمای کلی قرآن را ترسیم فرموده‌اند تا هر جوینده‌ای با رجوع به آن، به جامعیت آن پی برده و سپس به دنبال دیگر موضوعات و مسائل مورد نیاز خود باشد. برای روشن شدن این مطلب می‌توان گفت، هرگاه در مورد چیزی از ما سؤال شود، ابتدا آن را به گونه‌ای مطرح می‌کنیم که در نزد شنونده آشنا باشد و بتواند یک مفهوم کلی از آن را در ذهن خود ایجاد کند و سپس با سؤالات دیگری پیرامون آن به فهم موضوع دست پیدا کند. مثلاً وقتی می‌خواهیم در مورد ظرفی سخن یگوییم میزان گنجایش آن را بیان می‌کنیم، تنوع رنگ‌های آن را یادآور می‌شویم، از جنس آن می‌گوییم و نهایتاً آن را نشان فرد می‌دهیم تا خود با دیدن آن به جستجوی مسائلی از قبیل سازنده آن کیست، چه تفاوتی با اجناس مشابه دارد، تحت چه شرایطی ساخته شده، در حال حاضر و در مقایسه با دیگر اجناس چه ارزشی دارد، چند نوع دیگر از آن ساخته شده و... سعی در شناخت ماهیتی آن می‌کند و در جستجوی مقدار بیشتری از آن برمی‌آید...

مانند آن‌را همواره به عنوان یک «هادی» در میان و کنار خود داشته و داریم. از زمان نزول آن تاکنون حقیقت جوین زیادی به ترجمه و تفسیر آن پرداخته‌اند و همه به یک نتیجه رسیده‌اند و آن هم این است که قرآن بحر بی‌پایانی است که هرچه در آن بیشتر فرو روی برای رسیدن به عمق آن تشنه‌تر می‌گردد.

اکنون مانند این سؤال را مطرح می‌کنیم که: این هادی چگونه می‌تواند سعادت ما را تضمین کند و ما را به سر مقصد منزل برساند؟ آیا جز این است که عمل به دستورات الهی و خودداری از نواهی آن موجب رستگاری است؟ و اینجاست که متوجه می‌شویم که حضرت علی (ع) با در نظر گرفتن این نکات ابتدا حلال و حرام را که دور کن اصلی تقرب و دوری از خداوند متعال می‌باشند مطرح می‌کند و سپس موارد دیگری را که هر یک موجب ایجاد پرسش‌های فراوان در ذهن جویندگان حقیقت می‌شود بیان می‌فرماید. یک مسلمان می‌خواهد بداند انجام واجبات و مستحبات چه تأثیری بر زندگی او دارد، ناسخ و منسوخ کدام است و کدام حکم است که به دستور خداوند متعال ابتدا واجب گردیده ولی بعد به مقتضیات زمان از میان رفته و حکم دیگری جایگزین آن گشته است؟ آنچه در دین اسلام انجام آن روا و آنچه نارواست کدام است و آیا هر کسی این حق را دارد که بنا بر رأی خویش حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال بشمارد؟ کدام آیات الهی در موارد خاص و برای افراد خاص نازل شده و کدام یک عمومیت دارد و همچون آیه‌هایی که با «یا ایها الذین آمنوا» آغاز می‌شود، تمام مسلمانان را مخاطب خود قرار می‌دهد؟ آیا در قرآن هم پند و مثل به کار رفته است و اگر به کار رفته است چه هدفی را دنبال می‌کند؟ کدام یک از آیات قرآن حکم مطلق را دارد و تحت هیچ شرایطی تفسیر به جایی دیگر نمی‌شود و کدام یک می‌تواند با توجه به نیاز زمان تأویل شود؟

چرا حکم آیه پانزدهم از سوره نساء که می‌فرماید: «فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفیهن الموت»؛ آنها را در خانه نگه دارید تا مرگشان فرا رسد. برداشته شده و حکم طلاق و رجم به جای آن صادر شده است. و در واقع این آیه از آیات متشابه خوانده شده است؛ و آیا به دستور نماز خواندن به طرف بیت‌المقدس همچنان



باقی است یا اینکه با نزول آیه ۱۴۴ سوره بقره که فرمود: «**قول وجهک شطر المسجد الحرام...**» که نماز خواندن به سوی کعبه واجب گردید، حکم آن برداشته و از میان رفته است؟ و سؤال‌های فراوان دیگری که با دانستن اینکه قرآن چه کتابی است و محتوای آن چیست، در ذهن ایجاد می‌شود و تشنگان حقیقت و جویندگان طریقت را به سوی خدانشناسی سوق می‌دهد. بنابراین در مرحله اول اگر کسی از شما پرسد قرآن چیست، وقتی به او می‌گویید کتاب خداست که برای راهنمایی بشر، به سوی خلق فرستاده شده است، بدانید که او پاسخی بیش از این از شما می‌خواهد. یعنی باید بگویید در این کتاب چه

نوشته شده و محتوای این کتاب چیست تا بعد که هر کس طالب آن است به دنبال کشف مطالب و معانی آن برود و خود را در دریای آن غوطه‌ور سازد. همچنان که حضرت علی (ع) این گونه کتاب خدا را معرفی کرده و طالبان حق و حقیقت را به دنبال خود کشانده است. شما نیز اگر می‌خواهید با کتاب خدا آشنا شوید ابتدا معانی ظاهری را مطالعه کنید و هنگامی که احساس کردید مصمم به ادامه راه شده‌اید به دنبال تفسیر آیات الهی بروید و به قدر معرفت خود از این دریا گوهر صید کنید.